

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

شباهنگ راد
۰۸ مارچ ۲۰۲۱

۸ مارچ زیرساخت مبارزه زنان علیه بی عدالتی ها و نابرابری ها

تبيين درست از وقایع و جنبش اثرگذار و تاریخی، برابر با شناخت از محتوا و جایگاه آن هاست. منظور از این که اتفاقات سیاسی و کنش و واکنش های بسیار فراوانی در دنیای طبقاتی و اجتماعی صورت گرفته است که جدا از این که هر یک از آن ها، از تعیینات معین، و از مقام و مرتبه روشنی برخوردارند، اما تاریخ ساز نیستند. ولی ۸ مارچ - روز جهانی زن-، در خلاف آن هاست، به این جهت که سمنبل و الگوی جنبش اعتراضی زنان سرتاسر جهان علیه تبعیض جنسیتی، بی عدالتی ها و نابرابری هاست. روزی که زنان کارگر نساجی شهر شیکاگو، با طرح شرایط کار طاقت فرسا و دست مزد ناعادلانه، سیستم مدافع استثمارگران و زورمندان را به نبرد فراخواندند و پولیس حامی آنان، زنان را مورد تعرض وحشیانه خود قرار داد و تعدادی از زنان معترض و خواهان حقوق برابر را لت و پار، و تعدادی دیگر را زخمی و دستگیر کرد. از آن زمان به بعد، ۸ مارچ به عنوان بنیان جنبش اعتراضی - مبارزاتی زنان علیه ظلم، تبعیض و مناسبات غیرمساوی، در تاریخ ثبت شده و به همین اعتبار است که هر ساله در چنین روزی زنان و دیگر حامیان حقوق برابر زن و مرد، به خیابان ها سرازیر شده و با راه اندازی کمپین ها و مراسم ها، ۸ پُر بار و اثرگذار مارچ را، گرامی می دارند.

البته ناگفته نماند که پوشه تعرض حاکمان جهان به زنان و علی رغم مبارزات و اثرگذاری تاریخی شان، [که زنان کارگر نساجی شهر شیکاگو، با آن ها رودر رو بودند]، بسته نشده است و همچنان بر شانه های زنان کارگر و محروم و آن هم به شکل های متفاوت سنگینی می کند. یعنی این که مطالبات اولیه زنان همسو با دیگر جنسیت ها، در معرض توهین و تحقیر، و نیز در تیررس دست درازی بی رحمانه مدافعان سیستم نابرابری ها قرار دارد. اگرچه اشاره به این موضوع بی ربط نیست که جدا از همسوئی بنیادی، تفاوت های چند و سطحی بین زنان کشورهای زیر سلطه مناسبات امپریالیستی وجود دارد، یعنی این که مشکلات رودر روی زنان کشورهای هم چون هندوستان، پاکستان، افغانستان، ایران، عراق، عربستان و نظایر آن ها، به مراتب دوجندان و دردناکتر، و نیز خشن تر و بی رحمانه تر است. مبرهن است که زن در چنین جوامعی فاقد کمترین حقوق همچون انتخاب پوشش و دُورس تحصیلی، شغلی و غیره است؛ تحقیر شده و نصف مرد به حساب آمده و همواره و بنابه صدها دلیل غیر انسانی، ذهن و جسمش فراروی سیاست ها و خواست های ارتجاعی است. در حقیقت در خانه محبوسش می کنند؛ مانع فراگیری تحصیلش می شوند؛ تحت لوای محترم شمردن به فرهنگ و ایدئولوژی

عقب‌مانده سنگسارش می‌کنند؛ از حقوق برابر منعش می‌کنند تا نیمی از جمعیت فعال جامعه را از امکانات محروم و از طرح درخواست‌ها و حقوق پایه‌اش باز دارند.

همان‌گونه که آمده است همه‌جا - و من‌حیث‌المجموع -، اوضاع زنان به مانند هم است و فرق و اختلاف چندان با یکدیگر ندارند. به‌طور مثال «ویروس کرونا»ی دست‌ساز سرمایه‌داران به میزان بیکاری زنان افزوده است تا جایی‌که «ملل متحد» اخیراً اعلام کرده است: «پیش از دوران کرونا، زنان سه برابر مردان در خانه مشغول به‌کار بودند و هیچ دست‌مزدی دریافت نمی‌کردند. گسترش کرونا در جهان، تعداد زنان شاغل را کاهش داد و آن‌ها به ناچار خانه‌نشین شدند و برای انجام امور خانه هم هیچ دست‌مزدی دریافت نمی‌کنند. نتایج یک تحقیق در پنج کشور ثروتمند جهان نشان می‌دهد، تعداد زنانی که در منزل و بدون دریافت دست‌مزد کار می‌کنند، دو برابر شده است. این گروه از زنان ۶۵ ساعت در هفته کار می‌کنند که این میزان نسبت به مردان یک‌سوم بیشتر است. بررسی‌ها نشان می‌دهد، وضعیت این روزهای زنان خانه‌دار بریتانیایی به دهه ۵۰ میلادی بازگشته است و تعداد زنان بیکار شده نسبت به مردان، ۴۷ درصد بیشتر است». در چین راستائی و بنابه خبرگزاری‌های ایران، از ۳ میلیون زنان شاغل در ایران در یک‌سال گذشته، ۱ میلیون تن از کار بیکار شده‌اند که عمدتاً زنان سرپرست خانوار بدون بیمه و حمایت‌های دولتی‌اند.

در کنار این‌ها چنان‌چه بخواهیم افزایش خشونت و تعرضات خانوادگی را به آمار و ارقام بالا اضافه کنیم، آن‌وقت کمی راحت‌تر می‌شود به عمق فاجعه دست‌ساز طبقات بالادست، نسبت به نیمی از نیروی فعال جامعه پی‌برد. «دکتر کلوگ» رئیس دفتر اروپائی سازمان بهداشت جهانی می‌گوید: «نزدیک به ۶۰ درصد زنان در سرتاسر اروپا دچار خشونت‌های خانوادگی هستند و تعداد شکایات دریافتی از طریق خطوط امداد تلفنی ۵ برابر شده است». نیز اتحادیه مراکز مشاوره و راهنمایی زنان در المان هم در این‌باره اعلام کردند: «در حال حاضر خانه جای امنی برای بسیاری از مردم به شمار نمی‌آید». و یا «فلورانس کلادپیر» مدیر انجمن والدین FCPE فرانسه در منطقه «آپر راین» که بزرگ‌ترین آسیب را از شیوع ویروس کرونا در این کشور دیده است می‌گوید: «خانواده‌ها فشار زیادی را در این روزها تحمل می‌کنند». یک گروه حمایت از زنان در فرانسه هم اعلام کرده است که: «در سال گذشته ۷۴ زن در اثر خشونت‌های خانوادگی جان خود را از دست دادند». «رویا دادرس» سخنگوی وزارت امور افغانستان هم می‌گوید: «در سال جاری خورشیدی دست‌کم ۱۳۶ زن در نتیجه خشونت‌های خانوادگی در این کشور به قتل رسیدند. این رقم نسبت به سال گذشته که موارد قتل حدود ۹۰ قضیه بوده، بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته است. شیوع ویروس کرونا و دوران قرنطینه سبب حضور بیشتر مردان در خانه و حادث شدن خشونت‌های کوچک و پنهان شده که منجر به قتل شده است. بیشتر این قضاها در ولایات سرپل، بادغیس، نیمروز، لوگر، غور، دایکندی، بامیان، هرات، جوزجان، بغلان، لغمان، فاریاب، پروان، تخار، کاپیسا و قندوز ثبت شده است».

و خلاصه ملل متحد و اتحادیه اروپا در بیانیه مشترکی نسبت به بدرفتاری فیزیکی - ذهنی زنان اعلام کردند: «حدود نیمی از زنان در اتحادیه اروپا آزار جنسی را به اشکال مختلف، از رفتار و گفتار خشونت‌آمیز جنسی و فشار روحی و روانی گرفته تا اذیت و آزار در فضای مجازی و اینترنت، تجربه کرده‌اند. سالانه در جهان حدود ۱۲ میلیون دختر زیر ۱۸ سال ازدواج می‌کنند. دست‌کم ۲۰۰ میلیون دختر سالانه در جهان ختنه می‌شوند. این اقدام خشونت‌آمیز علیه اندام جنسی زنان در حدود ۳۰ کشور جهان انجام می‌گیرد. و نیز به این نکته اشاره کرده است که قربانیان ۸۰ درصد از قتل‌هایی که در پی درگیری‌های خشونت‌آمیز در خانواده روی می‌دهد، زنان هستند».

این‌ها شمه‌ای از دشواری‌های رودرروی زنان و دختران سرتاسر جهان در برابر سیاست و قوانین نوشته طبقات حاکمه است؛ سیاستی که باعث به‌هرز رفتن انرژی و مرگ میلیونی زنان و دختران شده است. با این تفصیل هیچ‌کجا، جای

امنی برای زنان نیست. زیرا که ذهن و جسمشان در معرض تعرض بی‌رحمانه قرار دارد و از هر سو، قربانی سیاست‌های دیگته شده امپریالیستی در درون جامعه و نیز در درون خانه‌ها هستند. آنقدر تعرض به زنان در دنیای سرمایه‌داری بالاست و آنقدر برآیند بی‌عدالتی‌ها و قوانین نابرابر جوامع سرمایه‌داری زیاد است که بی‌تردید بیش از نیمی از آنها در دالان‌های نظام‌های سرمایه‌داری ناگفته و یا پنهان مانده است. اضافه بر این‌ها، تعیین دست‌مزدهای پائین‌تر و یا عدم پرداخت دست‌مزدهای ناچیز آنان از جمله دیگر معضلات و مشکلات روبروی زنان سرتاسر جهان را تشکیل می‌دهد. برای چندرغاز به کارهای طاقت‌فرسا و ادارشان می‌کنند و در هم‌عین از پرداخت آن سرباز می‌زنند. همه این‌ها محصل سیاست و ایدئولوژی طبقه حاکمه یعنی طبقه سرمایه‌داری است؛ محرز است که ریشه آن در به رسمیت شناختن حقوق نابرابر جنسیت‌ها در برابر شغل برابر است و بی‌دلیل هم نیست که زنان در کشورهای متفاوت و از جمله زنان در ایران، علیه بی‌حقوقی‌ها و عدم پرداخت دست‌مزدهای‌شان، مرتباً به‌میدان می‌آیند و خواهان طلب‌های‌شان - و در حقیقت کار انجام شده در ازای مزد - از زورمندان و استثمارگران‌اند.

آمده است که حقوق‌های نابرابر و همواره اخراج‌ها و آن‌هم عدم پرداخت دست‌مزدها به محور اساسی زنان شاغل در ایران تبدیل شده و آنقدر ابعاد آن‌ها بالاست که خبرگزاری حکومتی اینلنا در تاریخ ۱۳ و ۱۵ دی‌ماه [جدی] ۱۳۹۹ اعلام کرده است: «گروهی از پرستاران شاغل از بیمارستان‌های استان خوزستان بدون تسویه حساب‌مالی از کار اخراج شده‌اند» و در ادامه می‌نویسد «کار پرستاران شرکتی با دیگر پرستاران فرقی ندارد، اما حقوق‌های دریافتی اختلاف ۲ الی ۴ میلیون تومانی وجود دارد».

براستی که اجحافات روا شده در حق زنان صدای منادیان سرمایه را هم در آورده است و کتمان آن‌ها برای خودی‌های‌شان هم ناممکن شده است. محرومیت از تحصیل، زندگی برده‌وار، گول‌گیری آب و فرسایش جسمی زنان روستائی، نبود بهداشت، تغذیه مکفی و ده‌ها مورد مشابه، زنان ایران را در وضعیت اسفباری قرار داده که شرح همه آن‌ها، برابر با مثنوی ۷۰ من کاغذ است.

در خاتمه این‌دست پرسش‌های کلیدی مطرح است که چگونه می‌شود به اسارت و به بندگی زنان خاتمه داد؟ چگونه می‌شود ریشه فرهنگ حکومت مردسالار را سوزاند و زنان را از شر بلایا و سیستم نابرابر نجات داد؟ چگونه می‌شود پرچم نظام مبتنی بر به رسمیت شناختن حقوق زنان را در درون جامعه برافراشت؟

بی‌گمان پاسخ سرراست به دو پرسش بالا، در به زیر کشیدن طبقات حاکمه از مسند قدرت است. زن در امان نیست به این علت که سیاست حاکم بر جوامع متفاوت، در خدمت به سازندگی جامعه و در پاسخ‌گویی به نیازهای سازندگان اصلی آن نیست؛ زنان را از محیط‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دور می‌کنند تا فرهنگ مطابق با منفعت بالائی‌ها، و در واقع فرهنگ نابرابری‌ها را در اشکال متفاوت به جامعه و به تمامی جنسیت‌ها تحمیل کنند؛ زن در جوامع متفاوت با اشکال متفاوت سرکوب و دیگر قیدوبندهای عقب‌مانده و ارتجاعی روبروست، به این دلیل که دولت‌های امپریالیستی، خواهان نمایش سلطه مردسالارانه در درون جامعه و نیز در درون خانه‌ها هستند؛ بر سر و تن زنان سنگ پرتاب می‌کنند تا جامعه پائینی را از درک اصلی نداری‌ها و نابرابری‌ها باز دارند. پیداست که همه این‌ها در اثر رواج فرهنگ مبتذل همراه با زور و سرکوب به زنان - و آن‌هم در گستره متفاوت - امکان پذیر است؛ پیداست که تحمیل و رواج فرهنگ ضد انسانی و ناعادلانه، خواست سرمایه‌داران و نظام‌های مبتنی بر حکومت نابرابر است. در حقیقت نظام‌های کنونی نشان داده‌اند، اصلاً و ابداً به درد جامعه نمی‌خورند و مستحق نابودی‌اند؛ نشان داده‌اند که کار و بارشان تخریب‌زدگانی سازندگان اصلی جامعه، و نیز فرمان‌برداری و تبعیت بیش از پیش زنان کارگر و زحمت‌کش از سیاست‌های استثمارگرانه و فرهنگ عقب‌مانده و ارتجاعی‌ست. در واقع این‌ها ارمغان سیاست‌های امپریالیستی به نیمی از جمعیت

فعال جامعه است. معلوم است که نه تنها وضعیت موجود مطابق با خواست زنان ستم‌دیده و محروم نیست بلکه با اعتراضات و مبارزاتشان، و با نافرمانی روزمره‌شان نشان داده‌اند که خواهان دنیا و سیستم برارزنده با به رسمیت شناختن جنسیت‌های متفاوت‌اند. در واقع ۸ مارچ یکی از خودنمائی سیاسی - مبارزاتی زنان علیه مدافعان حقوق نابرابر بوده است که خوشبختانه ما این روزها در ابعادی گسترده‌تر با آن‌ها روبه رو هستیم.

خلاصه دفاع از حقوق زنان کارگر و زحمتکش، و نیز رد و مقابله با فرهنگ ارتجاعی حاکم بر جامعه، از زمره پایداری به آرمان کارگران و زحمتکشان است؛ آرمانی که متضمن به رسمیت شناختن مقام و جایگاه زنان در رشد و سازندگی جامعه و به خصوص جانبدار و حمایت‌کننده حقوق برابر با دیگر جنسیت‌ها است.

۶ مارچ ۲۰۲۱

۱۶ اسفند [حوت] ۱۳۹۹